

علمی-تحقیقی، جوزجانان، ۱۸ (۲)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.85>

Principles and Characteristics of the Social Thought of Early Muslim Scholars

Sayed Modin Hashimi*

Associate Prof. Ph.D. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Parwan University,
Charikar, Afghanistan.

syedmobin12345@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0002-0637-9002>

(Received: 02/11/2025 - Accepted: 07/04/2026)

Abstract

Thought is one of the natural Characteristics of the human and one of the differences between humans and other creatures is mind and thought. The holy religion of Islam has given special importance to the thought, which is why early Muslim Scientists using the message of Islam, have given importance to thought and social thought. The lack of the familiarity among most young people and writers in the Islamic world with the principles and nature of social ideas of ancestors in addition to the common thoughts and beliefs that exist in the world regarding the history and origin of formation of the social ideas is a problem for us. Here the term of Early Scholars refers to the first group of Muslim Scholars who emerged and theorized after the companions. The aim of this research is to explore the social thought of early Muslim scholars and to identify the principles and features of their social thinking. Based on our review, no prior academic research has been conducted on this topic by university professors in the country, and on the other hand, understanding this issue is essential and necessary for students, which justifies this study. According to the studies conducted, the foundations of the thought of Muslim scholars are based on revelation, divine unity (tawhid), human-centeredness, and universal order. In presenting their ideas, early Muslim scholars primarily focused on religious discussion. They subsequently addressed the concept of the human being and their perfection, as well as historical and philosophical themes. They also paid special attention to the practical application of knowledge. This article has been written using a qualitative research method and an analytical technique, and the library method was preferred for data collection.

Key Words: Islamic World, Muslim Scholars, Social Thought, Thought.

* . **Citation:** Hashimi, S.M. (2026). Principles and Characteristics of the Social Thought of Early Muslim Scholars. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 1–14.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.85>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

اندیشه و اندیشیدن یکی از خصلت‌های عام انسانی است که او را از دیگر حیوانات متمایز ساخته و بر سایر جانداران برتری می‌بخشد. از آنجا که خداوند جل جلاله انسان را دانش آموخت؛ راه و روش‌های آنرا نیز به او یاد داد و شاید این ویژگی جز خصلت‌ها و خلاقیت انسان بود که چگونگی از محیط خود علم آموزد و معلوماتش را افزایش دهد. بلی این در حکمت الهی گنجینه شده است که اگر چیزی را به موجودی داده است آنرا به نحو کامل (در حد وجودی آن) به او بخشیده است. چنانکه در آیت ۵۰ سوره طه چنین آمده است: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ ترجمه: گفت (موسی علیه السلام) رب ما آن است که داد هر چیزی را صورتش سپس راه نمودش (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱، ص. ۶۹۶). اگر خداوند انسان را فکرت آموخت؛ راه‌های آنرا نیز به او یاد داد و او را با ابزار آن مجهز ساخت که خلاقیت خود را نشان دهد و از سوی دیگر انسان محیط خود را بسازد و در هستی خود و زندگی‌اش تأمل کند و این تأمل انسان را به‌سوی کشف حقیقت و شناخت خود برساند. یکی از اهداف فلسفه اسلامی نیز شناخت حقیقت و سعادت و رسیدن به آن است. از سوی دیگر الله متعال در قرآن عظیم الشان در جاهای مختلف انسان را به تفکر درباره کائنات و موجودات و پیدایش متوجه می‌سازد. مثلاً در آیت ۱۷ سوره الغاشیه الله متعال چنین فرموده است: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ). ترجمه: آیا آنها نگاه نمی‌کنند که شتر چگونه خلق شده است؟ در این آیت الله متعال انسان را در آفرینش شتر دعوت می‌کند. هدف در این جا تفکر در باره قدرت و توانایی الله متعال است. از اینکه تفکر انسان را متوجه قدرت الله متعال و هدف آفرینش و موجودات می‌سازد، از این جهت فیلسوفان، تفکر و اندیشیدن را چنین تعریف کرده‌اند (الفکر حركة من المبادئ و من مبادئ الى المراد)؛ یعنی اندیشه حرکتی است به‌سوی مبدأها و از مبدأها به‌سوی مرادها و اهداف و این حرکت همیشه در جریان است. اصطلاح دانشمندان متقدم مسلمان، به دانشمندان پیشگام علوم اجتماعی همچو ابونصر فارابی، ابوریحان البیرونی، امام ابوحماد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون و... اطلاق می‌شود که آنها در قسمت رشد و پیشرفت علم در جهان به خصوص در جهان اسلام نقش ارزنده بازی کرده‌اند.

علی الرغم آنکه در جهان اسلام دانشمندان زیادی در گذشته موجود بوده و هر کدام‌شان پیرامون موضوعات مختلف نظر ارایه کرده‌اند؛ اما در جهان اسلام اکثر محققان و جوانان جهان اسلام از اصول و اندیشه آنها بی‌خبر اند. این مورد به حیث یک چالش در علوم اجتماعی باقی

مانده است. کمبود تحقیق پیرامون اصول دانشمندان متقدم مسلمان، عدم آگاهی اکثر مسلمان‌ها از اصول و اندیشه آن‌ها و نیاز مبرم جامعه علمی به اصول و اندیشه دانشمندان متقدم مسلمان ما را وادار ساخت تا پیرامون موضوع تحقیق نماییم.

هدف از انجام این تحقیق، درک مبانی، تثبیت اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی آنها است. دیده شود که اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان بر کدام مبنا استوار بوده، آنها در بیان اندیشه‌های اجتماعی شان کدام اصول را در نظر گرفته اند؟ و اندیشه اجتماعی آنها دارای کدام ویژگی‌ها اند؟

تا جایی که مطالعه و بررسی شد درک این موضوع از سوی محصلان لازم و ضروری بوده و کمک می‌کند که محصلان و جوانان با اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی گذشتگان شان بیشتر آشنا شوند که این مورد بیانگر اهمیت تحقیق هذا می‌باشد. دانشمندان متقدم مسلمان در وقت بیان نظریات شان کدام مبنا و اصول اسلامی را در نظر گرفته اند؟ اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان دارای چی نوع ویژگی‌ها هستند؟ در قسمت انجام تحقیق روش کیفی استفاده گردیده و تحقیق با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است. در قسمت جمع آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای انتخاب گردیده است.

در نتیجه جست‌وجوی مقالات در پرتال‌های افغانستان و ترکیه به دو مقاله ذیل دسترسی پیدا کردیم که بیشتر با موضوع ما نزدیک‌تر بودند:

۱. روحانی و مظهري (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه در روایت حدیث» نقش امام اعظم رحمه الله علیه را در روایت احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم بررسی نموده است. نتیجه تحقیقات ایشان نشان می‌دهد که امام اعظم رحمه الله علیه در روایت احادیث بسیار حساس بوده و روش خاصی را انتخاب کرده است. حساسیت موصوف در انتخاب احادیث توسط دانشمندان بعد از وی، نقش مهمی را بازی کرده است. تفاوت این تحقیق با مقاله فوق در این است که این مقاله اصول و ویژگی اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان را یک‌جا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

۲. ابوغده (۱۹۹۵) در تحقیقی تحت عنوان *İslam Alimleri'nin Gözüyle Zamanın Kıymetli. Tercüme: Enbiya Yıldırım*، اهمیت زمان را از دید علمای مسلمان بررسی نموده است. آن‌طوری که از محتوای مقاله هذا فهمیده می‌شود دانشمندان مسلمان در وقت بیان نظریات شان ویژگی اسلامی را اصل قرار داده اند. نتیجه تحقیق

بالا بیانگر این است که یک رابطه نزدیک بین نظریات دانشمندان مسلمان و ارزش‌های اسلامی دیده می‌شود. در تحقیق حاضر این اصول و ویژگی‌ها از نظریات اجتماعی دانشمندان با جزئیات آن به بحث و بررسی گرفته می‌شود.

در این دو مقاله نویسندگان از اصول کلی بعضی از دانشمندان مسلمان بحث کرده‌اند؛ اما هیچ اشاره‌ای به اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان نکرده‌اند؛ درحالی‌که اثر در این‌جا کاملاً پیرامون اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان پرداخته می‌شود.

اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان

بدون شک دانشمندان مسلمان در وقت ارایه اندیشه‌های اجتماعی‌شان از یک سلسله اصول پیروی کرده‌اند که دانستن آن برای نسل امروزی مسلمان‌ها یک امر حتمی و ضروری پنداشته می‌شود. این مورد به خاطری مهم است که نسل کنونی بدانند و بفهمند، گذشتگان‌شان نیز در بیان نظریات‌شان از یک سلسله اصول پیروی کرده که شرح‌شان قرار ذیل است:

الف) وحی

از دید اسلامی، عالی‌ترین شیوه ارتباط با جهان ما فوق وحی است؛ زیرا اسلام دینی است مبتنی بر وحی دانشمندان اسلامی همیشه مبداء علم و حکمت را وحی دانسته‌اند. در قرآن مجید که مهم‌ترین مرجع دینی مسلمان‌ها به شمار می‌رود الله متعال در آیات مختلف از وحی بحث کرده است. چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَلَامًا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زُورًا﴾ (سوره النساء، آیت ۱۶۳). ترجمه: ما وحی فرستادیم به‌سوی تو چنانکه وحی فرستادیم به‌سوی نوح علیه السلام و پیامبرانی که بعد از وی بودند و وحی فرستادیم به‌سوی ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیه السلام و بر احفاد آنها و به عیسی علیه السلام، به ایوب علیه السلام، به یونس علیه السلام، به هارون علیه السلام و به سلیمان علیه السلام و دادیم به داود علیه السلام زبور (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱).

در جای دیگری الله متعال چنین فرموده است: ﴿وَإِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (سوره المائدة، آیت ۱۱۱). ترجمه: و چون انداختم در دل حواریون که ایمان آورید به من و به پیامبر صلی الله علیه و سلم من. گفتند ایمان آوردیم و گواه باش به اینکه ما فرمانبردار هستیم. (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱). وحی نقطه اوج عروج انسانی بوده که کمال او در گذر از زمین به‌سوی خدا به نهایت رسیده است. چنانکه نصر می‌گوید فلسفه اسلامی مبتنی بر وحی بوده و وحی در تکوین اندیشه اسلامی نقش مهمی را بازی می‌کند (نصر، ۱۳۷۱، ص. ۱۱). از اینرو، کسی که سلاح وحی را در چنگ خویش دارد دارای یک سلسله امتیاز و برتری دیگر نیز است. از سوی دیگر پیامبر صلی

الله علیه و سلم انسان کمال یافته بوده و می‌تواند الگو، رهبر و رهنمای بشریت باشد و او سزاوار فرمانروایی بر همه جهانیان است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳). این امر نیز در اندیشه دانشمندان جهان اسلام به وضوح دیده می‌شود؛ زیرا وحی اصل و اساس زندگی انسان به خصوص زندگی مسلمان‌ها را تشکیل می‌دهد. کار بسیار به‌جا و معقول است که دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر از این اصل پیروی کنند. آن‌طوری که از تفاسیر آیات قرآن کریم فهمیده می‌شود وحی منبع دانش و تفکر نیز است؛ زیرا اولین پیام الهی که به عبارتی حلت علم و دلنایی را برای انسان‌ها داشت از طریق وحی به انسان‌ها رسیده است.

ب) وحدت

اولین اصل جهان‌بینی اسلامی توحید است. اصلی که هسته اولیه جهان‌شناسی اسلام را تشکیل می‌دهد. طبق این اصل، خالق تمام کاینات یکی بوده و آن هم ذات باری تعالی است و او بر تمام جهان موجودات مبدأ اولی به شمار می‌آید. اوست که منشأ خلقت و مقصد هستی است. گرچه جهان هستی عالم کثرت است؛ اما کوچک‌ترین بخش این کثرت رو به سوی وحدت دارد. همه اجزای عالم در عین کثرت حکم شیء واحدی را پیدا می‌کنند که غرض واحدی نیز دارند. اندیشه وحدت در تفکر و بیان علوم و فنون اسلامی مسلط است (نصر، ۱۳۵۹). این اندیشه در تمام معارف اسلامی جاری و ساری است. هدف تمام علوم و معارف اسلامی نشان دادن وحدت و پیوستگی تمام موجودات است؛ بدانگونه که آدمی با مشاهده وحدت جهان و وحدت الهی رهنمون می‌شود (وحدت طبیعت، تصور از وحدت الهی است) در حقیقت اصل، اساس و علت وجود اسلام بیان و اشاعه اصل توحید است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۰-۱۱۱). وقتی که موضوع از این قرار است پس دانشمندان جهان اسلام نیز در وقت ارایه نظر و اندیشه‌های‌شان این اصل را رعایت کرده و آن را در نظر گرفته و می‌گیرند. در نوشته و تبصره‌های دانشمندان مسلمان اصل وحدت به عنوان یک اصل عمل نموده و اساس اندیشه و مفکوره‌شان را تشکیل می‌دهد. در هیچ نوشته دانشمندان جهان اسلام، نادیده گرفته شدن اصل وحدت قابل بحث نیست و نباید هم باشد؛ زیرا یگانگی الله متعال ضمن اینکه از طرف همه مسلمان‌ها من حیث یک اصل ضروری و یک اعتقاد پذیرفته شده و به آن ایمان آورده شده است؛ در بیان اندیشه و نظریات شان نیز این اصل نقش بازی کرده و اندیشه‌های آنها در محور این اصل شکل گرفته است.

ج) نظم

چنانکه آشکار و هویدا است از نظر اسلام بین تمام مراتب موجودات، نظم، هماهنگی و تعادل وجود داشته و این نظام موجود دارای انتظام و ارتباط بوده و به‌سوی هدف معینی رهنمون

است. در میان موجودات از اول الی اخیر یک ترتیب و تنظیم وجود داشته تا اینکه به مرحله وجود برسد (فارابی، ۱۳۵۴، ص. ۲۳۶). نظم بر جهان آفرینش حاکم است و نتیجه اعتقاد به نظم، باور به هدفدار بودن مجموعه نظام است؛ لذا در این مجموعه هر تغییر، تحول و ترقی توأم با تعادل است. تغییرات هدفمند نظام به طور هماهنگ به شکل بطی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، اصول اسلام به شرایط زمانی و مکانی وابسته نبوده و از ثبات ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، فرد مسلمان تاریخ را به صورت منحصر به فرد خواهد دید. فرد مسلمان پیش از آنکه تغییر را نیروی ذاتی تاریخ بداند، علاقمند تحقق بخشیدن به اصول مورد قبول جهان‌بینی خود است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۰-۱۱۱). این امر در وقت آرایه اندیشه و مفکوره دانشمندان جهان اسلام نیز نقش بازی می‌کند. هر دانشمند مسلمان در وقت آرایه نظر، نظم جهانی را در نظر گرفته و معتقد است که این نظام صاحبی دارد که خالق همه موجودات است. این نظم است که نظام هستی را بهتر ساخته است. از سوی دیگر، فکر کردن در باره نظم هستی ما را وادار به تفکر در باره خالق هستی و قدرتش می‌نماید. از سوی دیگر دانشمندان مسلمان با استفاده از این اصل در اندیشه و تفکرات‌شان نیز مسأله نظم را مراعت کرده‌اند.

د) انسان

هرچند بعضی‌ها در شرایط امروزی از انسان‌گرایی و ارزشمند بودن انسان یاد کرده و مثال آن را از کشورهای غیر اسلامی می‌دهند؛ اما حقیقت امر این است که در گذشته نیاکان ما مسلمان‌ها به خصوص دانشمندان جهان اسلام به انسان و حقوق انسانی ارزش زیادی قایل بوده‌اند؛ زیرا در بینش دانشمندان مسلمان، انسان به مثابه یک جهان کوچک است. تمام قوانین حاکم بر جهان هستی بر انسان نیز حاکم است. در بینش اسلامی، انسان از جهت رشد، ترقی، کمال و هماهنگی الگوی کوچکی از نظام هستی می‌باشد. این اندیشه بسیار متفاوت از تفکری است که انسان را الگوی طبیعت می‌داند؛ همان قسمی که در بینش غرب مطرح است. در تفکر اسلامی انسان الگوی نظام هستی است (نصر، ۱۳۵۴، ص. ۲۳۸). آن‌طوری که الله متعال در آیت ۴ سوره التین می‌فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ ترجمه: هر آئینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین اندازه (صورتی). (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱). برعکس در واقع در تفکر غربی، انسان همواره با طبیعت و ماشین و با موارد دیگر ساخته شده در صنعت، مقایسه می‌شود؛ در حالی که در تفکر اسلامی ملاک مقایسه انسان جهان هستی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۲، ص. ۲۳۶).

انسان به خاطر برتر بودن و فضیلتش نسبت به سایر موجودات از سایر مخلوقات و اعضای آن استفاده می‌کند. مثلاً از گوشت، شیر و ماست حیوانات حلال، از سایه درختان، از زمین، از آب و... استفاده می‌کند. پس گفته می‌توانیم انسان یک موجود مهم و ارزنده در نظام هستی و دین

مقدس اسلام بوده و دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر شان، این اصل را در نظر گرفته اند. هیچ دانشمند مسلمانی را دیده نمی‌توانید که نظری ارایه کرده باشد و نظر وی در تضاد با ارزش‌های انسانی باشد. نه تنها در وقت ارایه نظر؛ بلکه در بسیاری موارد اصل قرار دادن انسان یک اصل مهم در نزد دانشمندان مسلمان بوده و است. آنطوری که واضح است در گذشته‌ها دانشمندان جهان اسلام در کشف و رشد بسیاری از علوم مثل ریاضی، فزیک، جغرافیه، طب و... نقش مهمی بازی کرده اند اینکه در این اواخر مسلمان‌ها در پیشرفت و انکشاف بعضی از علوم مثل تولید سلاح‌ها نقش بازی نکرده اند ممکن یکی از علت آن همانا مضر دانسته شدن سلاح و امثال آن باشد. البته یگانه عامل این مورد نیست. بدون شک بعضی عوامل دیگر نیز نقش دارند که آنرا نمی‌توان نادیده گرفت. تا جایی که دیده می‌شود انسان، محور اندیشه دانشمندان جهان اسلام بوده و پیام‌های اسلامی نیز در شکل‌گیری اندیشه‌های اجتماعی در نزد مسلمان‌ها نقش بازی کرده است. به عبارت دیگر دانشمندان مسلمان با در نظر داشت پیام انسانی اسلام به مسائل اجتماعی توجه کرده اند.

ه) کمال

بحث اصلی بسیاری از حوزه‌های معارف اسلامی بحث «انسان کامل» است. یکی از دغدغه‌های فکری و مشغولیت ذهنی دانشمندان جهان اسلام تبیین انسان کامل است. رشد و ترقی و در نهایت کمال آدمی، از اهداف بلند علم در اسلام است. از همینرو دانشمندان مسلمان زیادی همچو ابوریحان بیرونی، خواجه نصیر الدین طوسی، غزالی، فارابی، امیر علی شیرنوی، سید جمال الدین افغان و... از انسان و انسان کامل بحث کرده اند. از آنجا که هدف رسیدن به کمال، وضعیت مطلوب انسانی است. لذا انسان و کمال او بر همه چیز تقدم دارد. از دید عرفانی اسلام، هر فرد باید خویشتن را از طبیعت فرد خاص خویش جدا کند و خود را به انسان کاملی که در درون او است شبیه سازد؛ تا همان اندازه به اصول جهان معرفت پیدا کند و از حقانیت الهی آگاه شود. از اینجا ارتباط انسان با منشأ هستی و جهان ماوراء استنباط می‌شود. از اینرو است که بعضی از دانشمندان مسلمان خصوصاً فارابی، ابن‌سینا، ابن‌خلدون و... هدف خلقت و حضور در جهان اجتماعی را دستیابی به کمال انسانی گفته اند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۲، ص. ۱۱۳). از سوی دیگر جامعه اسلامی به جامعه ای گفته می‌شود که نسبت به سایر جوامع به حد اکثر شگوفایی و کمال رسیده باشد (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۶). رسیدن به کمال و داشتن ویژگی‌های متفاوت مثبت نسبت به سایر موجودات سبب می‌شود انسان به درجات عالی برسد. بناءً در اندیشه و بیان نظریات دانشمندان جهان اسلام نیز مسأله کمال انسانی نقش مهمی را بازی کرده و می‌کند.

و) روشمندی و قاعده‌مندی

یکی از اصول بیان نظریات اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان روشمندی بودن نظریات شان است. البته که روشمندی به معنی امروزش که در تحقیقات استفاده می‌شود، نبوده؛ بلکه با در نظرداشت و شرایط زمان خود شان در بیان نظریات‌شان یک روش خاص خود را انتخاب کرده‌اند. اندیشه اجتماعی آنها تابع یک سلسله قاعده بوده که مهم‌ترین آن قاعده و اصول دینی است که شرح آن در بالا تذکر رفت.

ز. مشاهده و میدانی بودن معلومات

وقتی که نوشته‌ها و نظریات دانشمندان متقدم مسلمان مطالعه می‌گردد به شکل آشکار دیده می‌شود که نظریات و معلومات آنها برگرفته از مشاهداتی بوده که در جامعه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم انجام داده‌اند و آنها معلومات و یا به تعبیر علمی داده‌ها و معلومات را از جامعه و میدان به دست آورده‌اند. مثلاً وقتی که ابن خلدون از آسیب‌های زندگی شهری بحث می‌کند و یا البیرونی وقتی که از خصوصیات دین، مردم و فرهنگ هندوستان حرف می‌زند آنها همه معلومات مورد نیاز را از میدان به شکل مشاهده به دست آورده‌اند.

موارد بالا از جمله مهم‌ترین اصول اندیشه دانشمندان مسلمان بوده ممکن تعداد آنها کم و زیاد شود اما باور ما همین است.

ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان

بعد از اینکه اصول اندیشه دانشمندان جهان اسلام را در بالا شرح دادیم حال نوبت آن رسیده که از ویژگی و خصوصیات اندیشه‌های اجتماعی شان که اساس بحث ما را تشکیل می‌دهند بحث کنیم. تا جایی که منابع بیان کرده و قناعت ما حاصل گردیده مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان جهان اسلام از این قرار است:

الف) دینی بودن

در قدم نخست باید گفت اندیشه دانشمندان مسلمان به اندیشه‌ای گفته می‌شود که رابطه بسیار نزدیک با اصول دینی- مذهبی داشته باشد. این رابطه به وسیله دینی است که شخصیت و اندیشه معتقدانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به تعبیر شریعتی که در کتاب اسلام شناسی بیان می‌کند؛ مجموعه بینش جهان‌شناختی اسلام، برای متفکر مسلمان یک هندسه فکری می‌سازد که نمی‌توان به هیچ وجه یک بخش را از بقیه قسمت‌ها جدا دانست. مقایسه اندیشه دانشمندان مسلمان با دانشمندان غرب تفاوت آشکاری را نمایان می‌سازد. به عنوان یک ویژگی مهم، تأکید بر معرفت دینی، اندیشه مسلمانان را از اندیشه غربی‌ها متمایز می‌سازد. از اینرو با جستجوی هر بخش اندیشه دانشمندان مسلمان، به خصوص اندیشه اجتماعی آنها، محقق به

این نتیجه می‌رسد که تفکر اجتماعی آنها بخشی از تفکرات دینی شان است. چون اگر آنها به جامعه می‌اندیشند آنرا از نظام خلقت جدا نمی‌بینند. اساسی‌ترین هدف آنها در هر جامعه، رساندن انسان به کمال مطلوب است. در کل باید گفت که دغدغه اصلی دانشمندان مسلمان بیان کردن همه پدیده‌های هستی بر بنیاد بینش اسلامی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۶).

زیرا دانشمندان مسلمان در کنار روش تجربی، روش عقلی و وحیانی را نیز معتبر دانسته‌اند و بهره‌گیری از روش وحیانی در نوشته‌های دانشمندان مسلمان به وضوح دیده می‌شود. مثلاً اقتباس‌هایی که ابن خلدون از آیات قرآن کریم و روایات نموده به بیش از دو صد مورد می‌رسد (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). این مورد یکی از نمونه‌ها است تعداد و نمونه این نوع اقتباس‌ها را می‌توان در اندیشه اکثر دانشمندان مسلمان دید و یا پیدا کرد. حتی اکثر اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز برگرفته از دیدگاه و متون دینی است از همینرو گفته شده که «مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی». این امر یک حالت طبیعی و معقول به نظر می‌رسد. زیرا هر اندیشه و مفکوره متأثر از باورهای دینی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. آنطوری که اندیشه و مفکوره‌های دانشمندان غربی متأثر از جهان‌بینی دین عیسوی و یا هر دین دیگری که پیرو آن هستند، می‌باشد متأثر شدن اندیشه دانشمندان مسلمان از جهان‌بینی اسلامی نیز یک امر عادی است. مثلاً وقتی که کارل مارکس می‌گوید «دین افیون توده‌ها است» هدفش دین جامعه خودش است؛ نه دین اسلام و یا دین جامعه دیگری؛ زیرا او با در نظر داشت وضعیت دینی جامعه خود، نظر ارایه کرده است. بناءً می‌توان گفت اولین ویژگی اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان بُعد دینی آن است. به این معنی که اصل و اساس اندیشه دانشمندان جهان اسلام را دیدگاه دینی و یا به عبارت دیگر دیدگاه اسلامی شکل می‌دهد و یا باشد شکل دهد.

ب) فلسفی بودن

محققین تاریخ فلسفه اسلامی به این باور اند که رو آوردن مسلمان‌ها به مسائل و مباحث عقلی از آنجا آغاز شد که دانشمندان مسلمان توانسته‌اند از طریق ترجمه، آثار فلسفی یونان و روم و مباحث فلسفی را فراگیرند و از آن پس خود به طرح و تحلیل آن مباحث از دیدگاه‌های اسلامی بپردازند. هرچند این نظر از طرف بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأیید قرار گرفته است اما از دید ما غیر منصفانه به نظر می‌رسد؛ زیرا این طرز دید اصول عقلی نهفته در دین اسلام و دعوت‌های قرآن و سفارشات پیامبر صلی الله علیه و سلم و شخصیت‌های دینی را در مورد اندیشه و تعقل نادیده می‌گیرد. هرچند از گذشته‌های دور بدینسو مسلمان‌ها به الهیات و قوانین

اجتماعی توجه داشته‌اند؛ اما فلسفه در قرن پنجم میلادی نقش اثرگذارتری را در زندگی اجتماعی بازی کرده است (الفاخوری، ۱۳۵۸، ص. ۳۲۴). از سوی دیگر رواج کامل شیوه بحث و اندیشه فلسفی در میان دانشمندان مسلمان یکی از ویژگی‌های مهمی است که اغلب آن‌ها، مرتبط با فلسفه بوده و با اندیشه‌های فلسفی آشنا بوده‌اند. در این باره حناء الفاخوری چنین می‌نویسد: در آن زمان مانند امروز فلسفه، علم جداگانه نبود که فقط متخصصان به تدریس آن بپردازند؛ بلکه اثر زنده بود که مردم آنرا در نگرش خود به جهانی که در آن می‌زیستند دنبال می‌کردند و به الهیات و قوانین و آراء اجتماعی خود شکل خاص آن را می‌دادند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۶). فارابی نیز در صدد بیان نظام فلسفی جهان بوده و از جامعه و افراد انسانی یاد کرده است (فارابی، ۱۳۵۴، ص. ۳۳۰). بناءً می‌توان گفت دیدگاه‌های فلسفی بر اندیشیده اجتماعی دانشمندان مسلمان اثر گذاشته است اما نمی‌توان گفت دانشمندان مسلمان با فلسفه و مسائل فلسفی بعد از فعالیت ترجمه‌ها آشنا شده و قبل از آن آشنایی نداشته‌اند. زیرا در قرآن عظیم‌الشان آیات متعددی وجود دارد که نمایانگر تشویق مسلمان‌ها به مسائل فلسفی و عقلانی است. همینکه الله متعال در قرآن مجید از تعقل، تفکر، تدبیر و... یاد می‌کند خود دلیل آشکار تشویق مسلمان‌ها به سوی عقلگرایی است. از آنجایی که عقل یکی از جمله وسایل مهم فلسفه ورزی است. بناءً می‌توان گفت دین اسلام قبل از فعالیت‌های ترجمه به فلسفه و اندیشیدن اهمیت داده است.

ج) انسان محوری

علوم انسانی مسلمان‌ها خصلت انسانی دارد. به خاطری که دغدغه اصلی دانشمندان مسلمان، انسان و چگونگی رسیدن او به الگوی مطلوب یعنی انسان کامل است. به عنوان ویژگی سوم اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان، می‌توان از انسان محور بودن جامعه یاد کرد. در تبیین‌های اجتماعی جدید، پدیده‌های دیگری غیر از انسان مطرح است مانند: قانون، جامعه و مسائل آن که محور اصلی بحث دانشمندان را تشکیل داده و انسان در لابلای این مباحث گم می‌شود. در اندیشه اسلامی، محور اصلی و اساسی انسان و مسائل مرتبط به او است. به همین دلیل در بسیاری از کتاب‌های اخلاقی و فلسفی که در مورد انسان، ویژگی‌ها و نیازهای او بحث شده است جامعه و مسائل مربوط به زندگی گروهی به اعتبار انسان به عنوان یکی از ویژگی‌های وجود او مورد توجه قرار گرفته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۹). هویدا است که انسان‌ها با همکاری یکدیگر به هدف خود می‌رسند. با در نظرداشتن همین ویژگی و توانمندی‌های مختلف انسان است که انسان‌ها به کارهای مختلف می‌پردازند؛ بعضی‌ها امور تجارت را پیش می‌برند و گروهی امور اجتماعی و سیاسی را تعقیب می‌کنند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۶۲). با توجه به توضیحات

بالا می‌توان گفت اندیشه‌های دانشمندان مسلمان انسان محور بوده و دلیل آن اهمیت دادن دین اسلام به انسان است. اینکه در گذشته ویا در شرایط امروزی مسلمانی ویا گروهی از مسلمان‌ها حقوق انسان‌ها را نقض می‌کنند ویا انسان را نادیده می‌گیرند این مورد دلیلی بر این نیست که انسان از دید اسلام کم اهمیت است. این مورد بر می‌گردد به برداشت همان انسان و دیدگاه او.

د) تاریخی بودن

بینش تاریخی در قرن‌های نخستین اسلام در اشکال متعدد مطرح بوده و بعدها در نزد ابن‌خلدون و تا حدودی در نزد یعقوبی و مسعودی و سایر دانشمندان مسلمان نیز مطرح شده است. تا جایی که مطالعه کردیم این بینش در اصل به وسیله ابن‌خلدون مطرح گردیده است. او می‌گوید که بینش تاریخی مستلزم نگاهی است به گذشته و بیان می‌کند که جامعه از کجا آمده؟ و چی مسیری را طی کرده است؟ این بینش تا دوران قبل از ابن‌خلدون از پختگی لازم برخوردار نبود اما پس از ابن‌خلدون و پس از حمله مغول‌ها، بینش تاریخی در ارتباط با جامعه کمتر به کار رفته است و دانشمندان مسلمان جهت پاسخ به دیدگاه‌های تاریخی مارکسیزم به اندیشه‌های تاریخی رو آورده اند. اندیشمندانی چون: مطهری و شریعتی از جمله صاحب نظران انتقادی این رویکرد هستند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۱۲۰). آنطوری که هویدا است نادیده گرفتن مسائل تاریخی ضمن اینکه ما را به جایی نمی‌رساند؛ برعکس سبب انتقال معلومات ناقص نیز شده می‌تواند. زیرا معلومات و دانش وقتی مکمل تر و بهتر می‌شود که بستر تاریخی آن نیز در نظر گرفته شود. چنانکه یک مقوله است و گفته می‌شود ملتی که از تاریخ خود آگاه نباشد خود را نمی‌شناسد؛ این مورد نیز به آن می‌ماند. اینکه دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظریات خویش ابعاد تاریخی قضایا را در نظر می‌گیرند عمل سودمندی است. زیرا نادیده گرفتن تاریخ به معنی نادیده گرفتن یک ملت است. برای هر مسلمان لازم و ضروری است که در قدم نخست تاریخ خود و کشورهای اسلامی را بداند بعداً بعد تاریخی قضایا را مطالعه و بررسی کند. ه. واقع‌گرایی: وقتی که آثار دانشمندان متقدم اسلام مطالعه می‌گردد دیده می‌شود که آنها در وقت بیان نظریات شان پیرامون جامعه در قدم نخست واقعیت‌های جامعه خود را در نظر گرفته اند. از سویی هم از بیان حقیقت و وضعیت جامعه شان چشم‌پوشی نکرده اند. مثلاً وقتی که فارابی از مدینه فاسقه و ضاله بحث می‌کند وضعیت انسان را در جامعه خود ویا اطرافش دیده چنین می‌گوید. بحث ابن‌خلدون در رابطه به شهر و روستا و تفاوت زندگی شهری و روستایی و ویژگی‌های انسان این دو نوع جامعه نیز برگرفته از وضعیت جامعه خودش است. بناءً واقع‌گرایی را نیز می‌توان از جمله ویژگی‌های اندیشه اجتماعی این دانشمندان شمرد.

و) کار بردی بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان به استثنای بحث‌های مطرح شده در حوزه فلسفه اجتماعی مسلمان‌ها، کاربردی بودن آن است. از آنجا که دانشمندان مسلمان در حوزه فلسفه اجتماعی کمتر به فکر بررسی مسأله اجتماعی بودند، ثمره تفکرات شان برای جامعه کاربردی نداشته و یا به عبارت دیگر این تفکر در پی حل معضلات و مسائل موجود نبوده؛ بلکه مسائل را به طور کلی برای همه اعصار مطرح کرده و در صدد جواب دادن به آنها برآمده است. بطور مثال: انسان دانش و علم انسانی را مورد مطالعه قرار داده که در همه زمان‌ها و مکان‌ها فرض شده است؛ نه انسان خاصی در جامعه خاص و با مسأله مشخصی. لذا این تفکر اجتماعی برای جوامع و انسان‌های متفاوت که هر کدام دارای مسائل خاص خود هستند جنبه کاربردی ندارد؛ در مقابل، در حوزه مطالعات فرهنگی، گرایش تجربی و کار بردی قابل مشاهده است. زیرا اکثر محققان اجتماعی در راستای جمع‌آوری اطلاعات در فکر اثبات و یا رد دیدگاه‌ها بودند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۱۲۰). کاربردی بودن دانش یک بحث بسیار مهم و ارزشمند در مسائل علمی است. دانش وقتی مفید تمام می‌شود که کاربرد داشته باشد. اکثر دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر و دیدگاه‌های خویش به کاربردی بودن دانش دقت لازم به خرج داده اند. از سوی دیگر علومی که مسلمان‌ها در گذشته و حال با آن سر و کار دارند همه در زندگی مسلمان‌ها کاربرد داشته و دارد. مثلاً علم تفسیر، علم فقه، علم حدیث، علم ریاضی و... همه در زندگی انسان‌ها کاربرد داشته و در قسمت حل مشکلات و مسائل انسان‌ها نقش مهمی را بازی کرده اند. بطور مثال: علم تفسیر در قسمت تفسیر و توضیح آیات قرآن مجید؛ علم فقه در قسمت حل مشکلات فردی، دینی، اقتصادی و اجتماعی مسلمان‌ها؛ علم حدیث در قسمت بیان مسایل دینی و حل مشکلات زندگی دینی، فردی و اجتماعی مسلمان‌ها نقش بازی کرده و هنوز هم می‌کند. بدین معنی که وقتی یک مسلمان با یک مشکل رو به رو شود در قدم نخست به قرآن کریم بعداً به تفسیر آن به تعقیب آن به احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم و علم فقه مراجعه کرده حل مشکل می‌نماید که باید هم چنین باشد. زیرا همین علوم اسلامی است که در حل مشکلات مسلمان‌ها نقش بازی می‌کنند. اگر ما مسلمان‌ها علوم اسلامی را به درستی و آنطوری که لازم است آنرا مطالعه کنیم خواهیم دید که این علوم ضمن اینکه برای ما رهنما هستند رهگشای اکثر مشکلات ما هستند.

آنطوری که در بالا توضیح داده شد، موارد فوق از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان مسلمان به شمار می‌روند. شاید هم تعداد این ویژگی‌ها را بتوانیم افزایش بدهیم اما تا جایی که مطالعه کردیم و به نتیجه رسیدیم این موارد از جمله مهم‌ترین آنها اند.

نتیجه‌گیری

دانشمندان متقدم مسلمان همچو فارابی، بیرونی، غزالی، طوسی، ابن خلدون و... از جمله متفکرینی بوده که برای اولین بار در جهان اسلام از مسائل اجتماعی یاد کرده‌اند. یافته‌های تحقیق هذا نشان می‌دهد که اندیشه اجتماعی این دانشمندان بر مبنای ارزش‌های اسلامی استوار بوده و اصول اندیشه‌شان را وحی، وحدت و یگانگی الله متعال، نظم موجود در جهان، انسان، کمال انسانی، روشمندی و میدانی بودن معلومات تشکیل داده‌اند. دینی بودن، فلسفی بودن، انسان‌محوری، فلسفی بودن، تاریخی بودن، واقع‌گرایی و کاربردی بودن از جمله ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان به شمار می‌روند. مبانی و اصول این دانشمندان در بیان اندیشه‌های اجتماعی شان، چراغ راه و رهنما برای دانشمندان مسلمان بعد از خود شان شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*. تهران: نشر علم.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان*. تهران: نشر سروش.
- الفاخوری، حنا و الجر خلیل. (۱۳۵۸). *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*. ترجمه: عبدالمحمد آیتی. تهران: نرمال.
- اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء. (۱۴۰۵). ج. ۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- تفسیر کابلی. (۱۹۹۱). *قرآن مجید و تفسیر*. جلد اول الی سوم. قطر: طبع علی نفقه عبدالله عبدالغنی و اخوانه.
- رجبی، محمود و دیگران. (۱۳۹۲). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
- روحانی، محمد عثمان و مظهری، عبدالقدوس. (۲۰۲۵). بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث. *مجله علمی تحقیقی بین المللی دیوان*، ۶(۲)، ۳۵-۷.
<https://doi.org/10.69892/diwan.2025.119>
- فارابی، ابو نصر. (۱۳۵۴). *آرای اهل مدینه فاضله*. ترجمه و شرح جعفر سجادی. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر. مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۴۵). *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*. تهران: دهخدا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۵۹). *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- Ebu Ğudde, Abdulfeffah. (1995). "İslam Alimlerinin Gözüyle Zaman Kıymeti". Tercüme: Enbiya Yıldırım. İzmir: Işık Yayınları.